

در صف بندگان خدا، عبودیت انواع متفاوتی دارد که شناخت آن‌ها برای هر مسلمان ضروری است. باید دانست که عبودیت خدا شامل دو قسم بندگی است که تفاوت این دو در نگاه قرآنی و روایی بسیار اهمیت دارد.

نوع اول، بندگی به تسخیر است که شامل تمامی موجودات عالم می‌شود. همه ما انسان‌ها مانند سایر مخلوقات، عبد خداوند هستیم و عبودیتمان در درگاه خداوند متعال، عبودیتی به تسخیر است. ذات مقدس پروردگار در قرآن می‌فرماید: «هر موجودی در آسمان‌ها و زمین هست، عبد خداوند است». این یعنی انسان‌ها در مرحله اول عبد خداوند هستند و چه بخواهند و چه نخواهند، هنگام مرگ از دنیا می‌روند و در جریان سرنوشت خود، محکوم به مشیت و اراده الهی هستند. اما انسان نسبت به سایر موجودات در یک امتیاز ویژه متمایز است و آن اینکه می‌تواند این عبودیت به تسخیر را به عبودیت به اختیار تبدیل کند. خداوند متعال انسان را آزاد و صاحب اراده خلق کرده است و به او فرموده است که می‌تواند بندگی او را انجام دهد یا از آن سر باز زند. وقتی من به اراده خودم بندگی خداوند را انجام می‌دهم، به عبد به اختیار تبدیل می‌شوم و در پنهانی‌ترین موقعیت‌ها خدا را ناظر و حاضر می‌بینم، دستورات خداوند را اجابت می‌کنم و در برابر منکرات ایستادگی می‌کنم.

نمونه بارز این عبودیت به اختیار را می‌توان در میقات حضرت موسی^(ع) دید. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَاعْذَنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَّمْنَا هَا بِعَشْرِ فَنَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً...» «و ما با موسی سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب تکمیل کردیم». بنابراین حضرت موسی^(ع) از اول ذی‌قعدة تا دهم ذی‌حجه، به مدت چهل شب و روز به عبادت پرداخت.

داستان حضرت موسی^(ع) نمونه‌ای عمیق از این عبودیت به اختیار است. او با شنیدن ندای حق، تمام امور مادی و دنیوی خود را کنار گذاشت و تنها به شوق دیدار و شنیدن صدای حق، چهل شبانه‌روز مشغول عبادت شد. حضرت موسی^(ع) در بیابان‌های میان مدین و مصر با خانواده خود و گوسفندان در حال حرکت بود که با طوفان شدیدی مواجه شد و گوسفندان پراکنده شدند. در همان لحظات بحرانی که همسر موسی^(ع) نیز در آستانه زایمان قرار داشت، ناگهان آتشی را از دور دید.

آن حضرت به خانواده خود گفت: «اینجا بمانید که من آتشی از دور دیدم، شاید خبری از آن یا شعله‌ای آتش برایتان بیاورم که خود را گرم کنید». اما چون به آن آتش رسید، از جانب راست وادی در آن جایگاه مبارک، از آن درخت ندا آمد که «ای موسی، من خدای تو هستم».

با شنیدن این ندا، حضرت موسی^(ع) همسر و خانواده خود را از یاد برد و تمام دل مشغولی و زندگی‌اش را فراموش کرد و به دنبال این صدا حرکت کرد. امام صادق^(ع) می‌فرمایند حضرت موسی به مدت ۴۸ ساعت در بیابان بدون اینکه لحظه‌ای بایستد، دوید تا به ندای پروردگارش لبیک بگوید.

در اینجا سؤالی مهم مطرح می‌شود، آیا این صدا تنها مخصوص حضرت موسی^(ع) بود؟ چرا این ندا و صدا سراغ ما نمی‌آید؟ پاسخ این است که زندگی و مسائل روزمره تمام فکر و ذهن ما را مشغول کرده است و اگر ما را صدا بزنند، هم نمی‌شنویم. حتی اگر به سراغ خدا هم برویم، غالباً دلمان غافل است و به دنبال رفع مشکل کنونی خودمان هستیم، نه در پی پاسخ به ندای حق و خواستن او. بنابراین عبودیت به اختیار خدا زمانی محقق می‌شود که خداوند ما را استعباد کند و این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که به این مقام برسیم که عاشقانه به سمت او برویم و مانند حضرت موسی^(ع) با یک ندا، تمام تعلقات خود را رها کنیم و تنها با تمام وجود به ندای حق پاسخ دهیم.

برای رسیدن به عبودیت به اختیار، باید هنگام شنیدن ندای حق، تمام دل مشغولی‌های مادی و دنیوی را فراموش کنیم و با قلبی فارغ از دنیا، به سوی پروردگار حرکت کنیم. این فراغت از دل مشغولی‌های دنیا، راه اصلی رسیدن به مقام عبودیت است.

در زندگی معاصر، گاهی صدای حق در قالب الهامات درونی، فرمان‌های شرعی یا دعوت دیگران از ما به امر به معروف و نهی از منکر به گوشمان می‌رسد، اما ما به دلیل غرق شدن در روزمرگی‌ها، قادر به شنیدن و پاسخگویی به آن و اجابت این ندا نیستیم.

باید تلاش کنیم با تزکیه روح و تقویت ایمان، گوش جان خود را برای شنیدن این ندا آماده سازیم و مانند این پیامبر الهی، آماده لبیک گفتن به آن باشیم. در نهایت، عبودیت به اختیار، مقامی است که هر مؤمنی باید در جهت رسیدن به آن تلاش کند؛ زیرا این نوع بندگی است که انسان را به مقام قرب الهی می‌رساند و او را شایسته دریافت رحمت و هدایت ویژه پروردگار می‌سازد.

خطبه نماز جمعه

۲۱شنبه

۵ تیرماه ۱۳۹۸

شماره ۲۲۴۲

۱۴



سفر

بزرگفته از خطبه‌های نمازجمعه مشهد

تنظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

شنیدنی

ماراتن زیارت

ریحانه عامل‌نیک‌ا مامان می‌گوید: «قبل‌ترها این‌طوری بود؛ این‌طوری که کافی بود تا سر کوچه بری. بعد گنبد پیدا بود. آسمون هم قریونش برم، آبی. دلت باز می‌شد». چادرم را که هی سر می‌خورد، محکم‌تر می‌گیرم و از بین جمعیت رد می‌شوم.

می‌گویم: «شما جلو رو بپا، مراقب باش». مراقب نیست. سربه هوا پی‌گنبد می‌گردد و ادامه می‌دهد: «خونه‌آقات توی همین کوچه پشتی بود؛ همین‌که حالا سرش هتل ساخته شده. این‌طور هم تنگ و ترش نبود. دلت باز می‌شد می‌اومدی بیرون». می‌گویم: «اول که این کوچه نبود حاج خانوم و بعد هم که از اول هم این کوچه‌ها تنگ و ترش بود».

مامان تسبیح شاه‌مقصود را می‌چرخاند و می‌گوید: «نه‌خبر، من یادمه یا شما؟ هر سال میلاد آقا می‌اومدیم مشهد، خونه‌آقات. روز عید گلدونای شمعدونی رو می‌چیدن روی پله حیاط. آجرفرش رو چندبار آب و جارو می‌کرد و فرش می‌نذاخت. زن‌ها این‌طرف، مردها اون سمت. اگه زمستون بود، چایی قندپهلو با عطر گلاب و اگه تابستون بود، شربت زعفرون با تخم شربتی و نبات. وایستا وایستا. فکر کنم پروین خانوم رو دیدم.»

نمی‌دانم به دلیل شلوغی پیاده‌رو است یا کم‌زوری من که صبرم کم آمده است. می‌گویم: «نمی‌شه وایستیم حاج خانوم، می‌خوریم به مردم. بعدم پروین خانوم کجا بود؟» زبانم نمی‌چرخد بگویم مرده است. مامان چادر را روی سرش مرتب می‌کند و می‌گوید: «وای چه ولوله‌ای! چرا نمی‌رسیم؟ نکنه حرم رو بردن عقب‌تر؟!» از حرفش خنده‌ام می‌گیرد. «بی خیال مادر من. عقب چی پردن؟!» جواب می‌دهد: «باشه. بخند. من خودم هزار بار بیشتر از خونه‌آقات تا حرم پیاده رفتم؛ توی بارون، توی آفتاب. دوتا قدم بیشتر نبود. این‌که ما اومدیم، شد دو ماراتن. یه‌کم تندتر برو.» زورم را جمع می‌کنم و قدم‌هایم را بزرگ‌تر برمی‌دارم. عرقم درآمده است و نفس کم آورده‌ام. مردم را که تندتند از جلو موکب‌ها رد می‌شوند، نگاه می‌کنم و می‌گویم: «آره. ماراتن زیارت!» خانم جان تسبیح شاه‌مقصود را می‌اندازد دور مچش و چادر را زیر گلو گره می‌زند و دست می‌اندازد به چرخ‌های ویلچر و می‌گوید: «پس بجنب. حیف نیست ما ته صف زیارت باشیم؟!» می‌خندم و ویلچر را محکم‌تر هل می‌دهم.

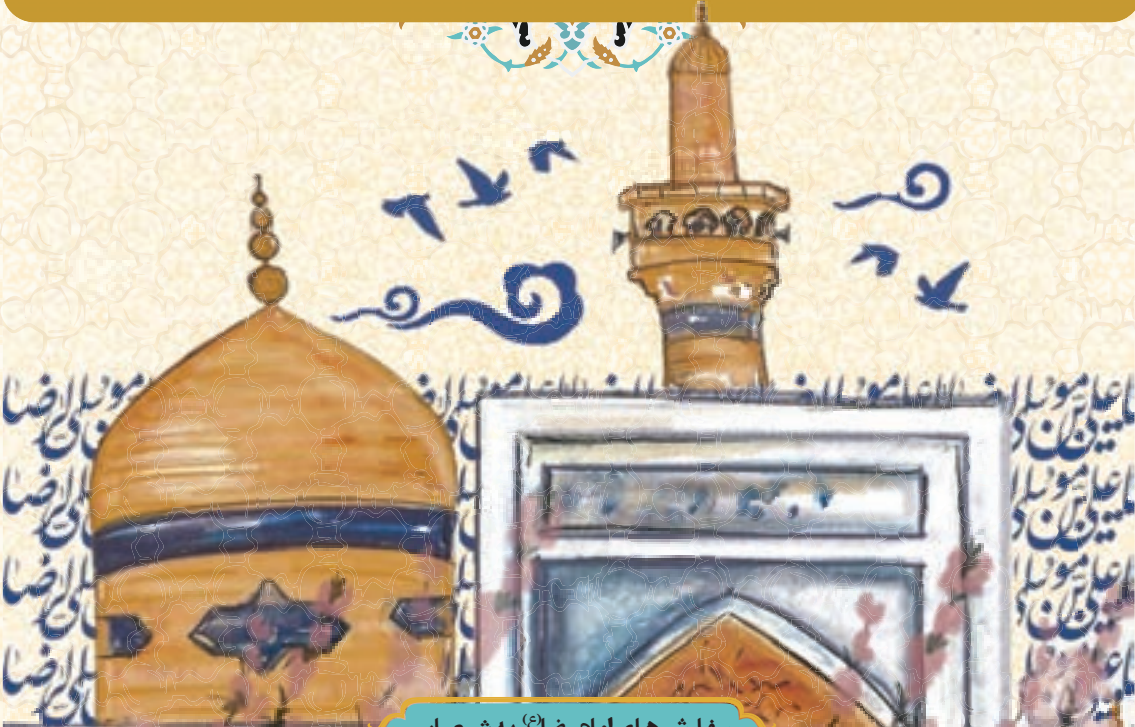
ایران
امام رضا(ع)

در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین اسکندری توصیه‌هایی از امام رثوف بررسی شد

به زندگی عطر رضوی بزنیم

آمنه مستقیمی برای ما شیعیان که مرید و دل‌داده امام رضا^(ع) هستیم، مهم است که به عنوان پیرو مکتب ائمه اطهار^(ع) به چه نشانه‌های ما از دیگر فرقه‌ها و مذاهب تمایز داده شویم. بزرگان دین ما در راه اشاعه فرهنگ قرآن و اهل بیت راه‌های مختلفی را پیش گرفته‌اند از تربیت شاگردان نزدیک تا ارتباط با شیعیان از راه‌های دور؛ به مناسبت فرارسیدن دهه کرامت و در آستانه سالروز ولادت امام رضا^(ع)، در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر اسکندری، مدیر مدرسه علمیه سیادت مشهد، مشاور مرکز مشاوره حوزه، مطالبات امام^(ع) از خودمان را به بحث گذاشته‌ایم.

گفت‌وگو



سفرش های امام رضا(ع) به شیعیان

یکی از راه‌های آسمان مشهد به حرم امام رضا^(ع) منتهی است. وقتی کسی عاشق و محب فردی می‌شود، باید از محبوب خود رنگ بگیرد. وقتی ما مدعی عشق به اهل بیت^(ع) هستیم، باید رنگ و بویی از آن‌ها بگیریم و انتظارانشان را برآورده کنیم. نکته مهم آنکه امام رضا^(ع) قرار است چه تأثیری در زندگی ما داشته باشند؟ در جواب این سؤال به نامه امام رضا^(ع) خطاب به حضرت عبدالعظیم حسنی^(ع) اشاره می‌کنم. در این نامه امام رضا^(ع) ۷ الی ۸موضوع را سفارش کرده و از عبدالعظیم حسنی^(ع) درخواست ابلاغ آن‌ها به دوستانشان را داشته‌اند. در واقع این نامه دستور یک معشوق به عاشقان خویش است.

قلب خود را پاک کنید

اول اینکه برای خدا شریک قائل شود، دوم اینکه یکی از دوستان ما را برنجانند و سوم اینکه نسبت به دوستان ما کینه در دل خویش قرار دهد. امام رضا^(ع) می‌فرمایند: «این افراد مورد رحمت الهی قرار نمی‌گیرند، مگر اینکه توبه کنند و از نیت خود برگردند والا خدای متعال نور ایمان را از آن‌ها می‌گیرد و از ولایت ما خارج می‌شود»، یعنی دوستی اهل بیت^(ع) دیگر هیچ فایده‌ای برایش نخواهد داشت. من بارها به افرادی که به حرم امام رضا^(ع) مشرف می‌شوند، گفته‌ام اگر می‌خواهید دعایتان مستجاب شود، ابتدا باید قلب خود را پاک کنید. یعنی هرچه کینه و ناراحتی از دوربری‌های خود دارید، به بیرون بریزید.

کم سخن بگویید

چهارمین سفارش امام رضا^(ع) در نامه به حضرت عبدالعظیم^(ع) این است که: «به دوستان ما بگو کم حرف بزنند». بعضی حرف‌ها مفت و بیخود هستند و برخی حرف‌ها مضر هستند که می‌توان از آن جمله به مسخره کردن، غیبت کردن، تهمت زدن و... اشاره کرد. برخی علما برای زبان حدود ۲۰۰ تا ۱۵۰گناه نوشته‌اند. عدم بیان سخنان بیهوده یکی از انتظارات امام رضا^(ع) از ماست؛ البته هر گاه بخواهیم از حق کسی دفاع کنیم، باید حرف بزنیم.

به جای جدل، صلہ رحم کنید

پنجمین مطالبه، ترک جدال و جر و بحث است. یکی از سموم بین خانواده‌ها، همسایگان، قوم و خویش‌ها، زن و شوهرها و والدین با فرزندان بحث کردن است. وقتی از آن‌ها می‌پرسید چرا جر و بحث می‌کنید، بیان می‌کنند: راست می‌کنند، جالب است که ائمه^(ع) به ما فرموده‌اند: «اگر حقم باشد نباید جدل کنید». یکی از سمومی که کم‌کم بین محبت‌ها نفوذ می‌کند، جدل کردن است. ششمین انتظار امام رضا^(ع) صلہ رحم است. حضرت می‌فرمایند: «به دیدار قوم و خویش خود بروید، با رفیقان خود رفت‌وآمد داشته باشید؛ چون این کار باعث تقرب شما به خدا و ائمه^(ع) می‌شود».

تاکید امام رضا(ع) بر اخلاق

ششمین نکته امام رضا^(ع) در این نامه خیلی مؤدبانه می‌فرمایند: «سلام گرم مرا به دوستان ما برسان». خود این دنیایی از اخلاق است. چقدر خوب است فردی اگر وارد خانه یا جمعی می‌شود، با صدای بلند سلام کند. امام حسین^(ع) می‌فرمایند: «السلام قبل از کلام»؛ یعنی قبل از اینکه حرف بزنیم به همدیگر سلام کنیم. اولین سفارش امام رضا^(ع) در این نامه این است که: «به دوستان من بگو مواظب باشند»، شیطان از همه جهات می‌خواهد به فکر و قلب شما نفوذ کند.

خشم حضرت نسبت به برخی شیعیان

هفتمین سفارش امام رضا^(ع) این است که با همدیگر دشمنی نکنید. ایشان می‌فرمایند: «اگر کسی با دوستان و شیعیان ما دشمنی کند و بر یکی از آن‌ها خشمگین شود و خدای ناکرده به او آسیبی وارد کند، از خدا می‌خواهم او را به سخت‌ترین کیفر دنیایی مبتلا کند و در آخرت نیز از زاناکاران باشد». آخرین سفارش امام رضا^(ع) در آن نامه به حضرت عبدالعظیم حسنی این است که «به دوستان ما بگویید خداوند وعده داده است آن‌ها را مورد مغفرت خویش قرار دهد و ببخشد، مگر اینکه خطا کار باشند»، سپس به سه نمونه خطاکاری اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «این افراد از رحمت الهی دور خواهند بود».

به خدا پناه ببرید

آخرین کلام امام رضا^(ع) نیز این است که من از این لغزش‌ها به خدا پناه می‌برم. شاید برخی بیان کنند من باید چه کار کنم و من در جواب آن‌ها همین سخن پایانی امام رضا^(ع) را بدان‌ها سفارش می‌کنم که از خدا کمک بخواهید. از خدا کمک بخواهید که دلمان دریا باشد و بتوانیم افراد را ببخشیم؛ اگر بتوانیم این کار را انجام دهیم، امام رضا^(ع) ان شاء... دست ما را خواهند گرفت.

